

قمار نان و جان، به قیمت زندگی شش کارگر

سوختند و کسی صدایشان را نشنید



نسرین هزاره مقدم

گمان کنید در دورست‌ها، کارگاه کوچکی در حاشیه‌های شهر برقرار است؛ مکانی بسیار تنگ و کوچک که مالامال از مواد قابل اشتعال و خطرناک است. تعدادی جوان تشنه و جویای کار که فرصت اشتغال مناسب چندانی برایشان فراهم نیست و به هر دری که زده‌اند آن را بسته دیده‌اند، مجبور شده‌اند با حقوقی که صاحب کارگاه پیشنهاد می‌دهد و احتمالاً از حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار کمتر است، کار کنند و اپادغدغه بیمه نداشته باشند (البته از روی اجبار) و فرض کنید که شی، این مواد قابل اشتغال به ناگاه آتش می‌گیرند و شعله‌ها همه فضا را پر می‌کنند. این جوانان که هنوز در آغاز راه زندگی هستند و هزاران امید و آرزو در سر دارند، در دل این شعله‌ها گیر می‌افتند، فریادی کشند اما صدایشان به جایی نمی‌رسد و به اطراف می‌دوند اما راه خروج نمی‌یابند و دیگر نیازی به فرض کردن نیست، نتیجه مشخص است: در چشم‌برهم‌زدنی می‌سوزند تا جایی که دیگر اجسادشان هم قابل تفکیک نباشد و مجبور شوند با توسل به DNA مشخص کنند که نام و نشان‌شان چیست.

اینها فرضیاتی است که متأسفانه همین چندروز پیش به واقعیت پیوست. دو زن و چهار مرد بر اثر آتش‌سوزی گسترده در کارگاه میل‌سازی پردیس جاجرود، در میان شعله‌های آتش سوختند؛ مرگی بسیار تلخ که در میان اخبار رسانه‌ها گم شد. کسی به دنبال نام‌نشان این کارگران کم‌درآمد نیفتاد چون جان شش جوان سوخته در میان فوم‌های آتش گرفته، کمترین و بی‌اهمیت‌ترین خبری بود که در عرض ۱۰ روز گذشته منتشر شد و متأسفانه مانند همیشه وقتی قربانیان هیچ پناهی ندارند و از جامعه بی‌صدایان دنبال نان هستند، به سادگی اعلام می‌شود که «موضوع در دست بررسی است»! در این

میان، مقصر چه کسی است، خدایم! داند اما خدا کند مانند مواردمشابه در نهایت نگویند حریق عمدی نبوده باسیم برق اتصالی کرده و یکی از قربانیان به اشتباه فلان دستگاه را به برق زده و همه چیز روی هوا رفته است! آزاردهنده‌تر از همه، عدم امکان شناسایی اجساد بود. خبر رسید که در پزشکی قانونی و باتست DNA، هویت این شش قربانی بی‌نام و نشان را نشان‌دار کرده‌اند. از هر چه بگذریم نمی‌توانیم از درد و اندوه بی‌پایان خانواده‌های آنها گذر کنیم، خانواده‌هایی که حاضر شده بودند فرزندان‌شان را در این بحران عمیق کرونا، در یک فضای کوچک و بسته و خطرناک، بی‌نای بفرستند و هر روز دست به دعا بردارند که چیزی نشود که آخر سر هم چیزی شود، همان چیزی که نباید می‌شد!

لوازم اطفای حریق نداشتند

حادثه خیلی ساده اتفاق افتاد. ساعت ۱۱ صبح دوشنبه (سی‌ام فروردین) خبر آتش‌سوزی در یک کارگاه میل‌سازی و تولید اسفنج در منطقه پردیس جاجرود به آتش‌نشانی و اورژانس اعلام شد. وقتی امدادگران به محل حادثه رسیدند مشخص شد چند نفر از کارگران داخل یک سوله گرفتار شده‌اند.

«مجتبی خالدي» سخنگوی اورژانس کشور همان‌روز درباره جزئیات این حادثه گفت: ساعت ۱۱:۳۰ یک مورد حادثه آتش‌سوزی در کارگاه میل‌سازی واقع در پردیس به سامانه اورژانس کشور اطلاع داده شد که بلافاصله ۵ دستگاه آمبولانس، یک دستگاه موتور لانس و یک بالگرد هوایی به محل حادثه اعزام شد و تکنیسین‌های اورژانس پس از بررسی‌های اولیه و اظهارات شاهدان متوجه شدند که ۶ نفر در همان دقایق اولیه حریق فوت کرده‌اند.

وی افزود: شواهد نشان می‌دهد که پس از حریق ۶ نفر از کارگران این کارگاه به قصد فرار و در امان ماندن از آتش به سوله کنار کارگاه پناه بردند

که شدت حریق سبب شده تا مسیر خروج آنها کاملاً مسدود شود و هر کارگر که از ۴ مرد بودند، فوت کنند. شدت سوختگی به خاطر مواد آتش‌زای درون کارگاه به حدی بوده که اجساد و جنسیت آنها قابل شناسایی نیستند و برای تشخیص هویت باید به پزشکی قانونی منتقل شوند.

البته در ادامه اعلام شد که پرونده قضایی تشکیل شده و علت حادثه در دست بررسی است. «علیرضا قاجاری» دادستان عمومی و انقلاب شهرستان پردیس هم‌روز بعد گفت: گزارش مرگ شش نفر در پی حادثه آتش‌سوزی در یک کارگاه میل‌سازی واصل شد که با توجه به اهمیت موضوع شخصاً محل حادثه حاضر شدم. دو نفر از فوت‌شدگان زن و از اتباع افغانستان و چهار نفر از فوت‌شدگان مرد بودند. همچنین در جریان آتش‌سوزی سه نفر مصدوم شدند که با بالگرد به تهران اعزام شدند.

وی اظهار کرد: بلافاصله برای این حادثه پرونده قضایی تشکیل شد و تحقیقات درباره عوامل این حادثه، استاندارد لوازم موجود در کارگاه و عمدی یا غیرعمدی بودن حادثه و... در حال انجام است.

ام‌اف‌ماندار پردیس‌ظاهرأعلت حادثه را تا حدودی کشف کرده اما عامل هنوز نامشخص است، عاملی انسانی یا غیرانسانی که موجب شده یک علت ساده موجب مرگ شش نفر شود. «عبدالعظیم رضایی» فرماندار شهرستان پردیس درباره این حادثه گفت: شاهد حادثه تلخی بودیم که ۶ نفر از همشهریان ما بر اثر حریق کارگاه تولید فوم و اسفنج که قابلیت اشتعال بالایی دارند جان خود را از دست دادند.

یک بی‌احتیاطی که به خاطر ساختن رنگ در کنار بخاری بود باعث این حریق گسترده شد و به دلیل سرعت اشتعال مواد داخل انبار، کارگرها فرصت خروج پیدا نکردند و به انتهای سوله پناه بردند که متأسفانه منجر به سوختگی شدیدی مرگ آنها شد.

چند نفر دیگر در شرایط خطرناک کار می‌کنند؟

حال سوال اینجاست که چند صد یادرست‌تر بگوییم، چند هزار کارگاه دایر مشابه در سراسر کشور وجود دارد که جان کارگران جوان و پیری که هیچ کجا در سیطره اقتصاد رسمی، فرصت کار کردن مطمئن نداشته‌اند،

در آنها در معرض خطر و تهدید قرار دارد؟ چقدر کارگاه کوچک و غیررسمی داریم که فاقد اصول ایمنی هستند، آکنده از مواد اشتعال‌زا هستند و سیستم اطفای حریق هم ندارند! چند هزار کارگر در معرض از دست دادن جان هستند! آن‌هم در شرایطی که بعد از بروز حادثه‌های مرگبار، به بسیاری از آنها به دلیل «غیررسمی بودن»، ریالی بابت غرامت و خسارت تعلق نمی‌گیرد.

به گفته «حمیدرضا سیفی» دبیر کانن عالی کارفرمایان کشور حدود ۹۲ درصد از اشتغال کشور در کارگاه‌های کوچک و زیر متوسط است. این آخرین آماری است که اعلام شده اما به هر حال مشخص نیست چند درصد این کارگاه‌ها بسیار کوچک هستند، چند درصد آنها خارج از بازرسی بازرسان ایمنی و بهداشت کار هستند و در چند درصد، کارگران شاغل حتی یک بیمه

ساده هم ندارند!

کارگاه، برق اضطراری و سیستم اطفای حریق نداشته است

«شهرام غرب» کارشناس ارشد ایمنی و بهداشت کار نیز در ارتباط با این حادثه و سوژه‌های درناک آن می‌گوید: در این شرایط بی‌قانونی و فقدان نظارت، ما باید منتظر چنین حوادثی باشیم چون هیچ نظارتی بر این مکان‌ها نیست. وقتی هدف، تولید به هر قیمتی باشد، این نوع حوادث مرگبار به هیچ‌روی دور از انتظار نیست. برای حفظ جان آدم‌ها، کار باید زیر ذره‌بین باشد اما این ذره‌بین کجاست و چرا آن را نداریم؟! این شش کارگر بینوا که سوختند و رفتند و قضیه به این تلخی تمام شد اما خدایم! داند چه اتفاقاتی در چنین مکان‌هایی می‌افتد و چقدر آسیب‌های جسمی و روانی، کارگران این کارگاه‌ها را تهدید می‌کند؟ طرف حتی اگر دستش بشکند یا انگشتانش خرد شود از ترس اخراج سکوت می‌کند و لام‌تاکام به احدی چیزی نمی‌گوید!

به گفته وی، نه تنها نظارت برقرار نیست، بلکه اطلاعات دقیقی از این دست کارگاه‌ها نداریم: «چه اشکال دارد بازرسان کار منطقه به منطقه بروند و هر چند وقت، یک منطقه خاص از کلونی‌های کارگاه‌های کوچک را شخم بزنند، بریزند در منطقه و همه کارگاه‌های کوچک آن را بازرسی کنند. حتماً که نباید مرگ و میر اتفاق بیفتد تا ناظران و بازرسان ورود کنند».

غربی تأکید می‌کند: باید چنان جریمه‌های سفت و سنگین برای خاطیان و کارفرمایان لایقید گذاشته شود و به اصطلاح آن چنان باید یقه اینها را بچسبند که درس عبرت برای دیگران شود و دیگر کسی جرأت نکند با کارگران طور سهل‌گیرانه برخورد کند و جان‌شان را به باد تاراج بدهد.

وی با بیان اینکه «در ایران نظارت بر پروتکل‌ها فقط ویترینی است و پشت ویترین کسی نمی‌داند چه خبر است»، می‌افزاید: نمی‌دانیم در کشور چند هزار نفر مثل اینها در فضاهایی بسته و کاملاً ناایمن کار می‌کنند. اینها در این فضاهای بسته و تنگ، هم ممکن است کرونا

«شهرام غرب» کارشناس ارشد ایمنی و بهداشت کار: در این شرایط بی‌قانونی که هیچ نظارتی بر محیط‌های کاری نیست، باید منتظر حوادثی (سوختن ۶ کارگر در کارگاه میل‌سازی) باشیم. وقتی هدف، تولید به هر قیمتی باشد، این نوع حوادث مرگبار قطعاً تکرار خواهد شد

بگیرند و هم هزاران اتفاق ریز و درشت در کمین‌شان نشسته است، من باطمینان می‌گویم این کارگاه برق اضطراری و سیستم اطفای حریق نداشته و کارگران آن آموزش ایمنی ندیده‌اند. باید بدانیم سرعت آتش خیلی زیاد است و کارگر باید برای مقابله با آن، آموزش دیده باشد. در آتش‌سوزی‌ها، در همان یک دقیقه اول، اگر امکانات اطفاء باشد، توان مهار آتش تا ۷۰ درصد وجود دارد. آتش قابلیت مهار شدن دارد اما در صورتی که اولاً وسایل باشد و دوم، افراد آموزش دیده باشند».

همه مقصریم

چه کسی مقصر است یا چه کسی «بیشتر» مقصر است؟ غربی می‌گوید: «همه مقصرند، تمام کسانی که امروز مدعی هستند که باید جلوگیری می‌شد، مقصرند چون باید نظارت می‌کردند و نکردند. آنها بی‌کی‌نیامدند و بازرسی نکردند، مقصرند، حتی آنها بی‌کی‌از وجود چنین کارگاه‌هایی با خبرند اما به مراجع ذیصلاح اطلاع نمی‌دهند نیز مقصرند! نتیجه این بی‌تفاوتی گسترده، جزغاله شدن این کارگران بینواست. وقتی فرهنگ ایمنی در جامعه نهادینه نباشد، ایمنی محدود می‌شود به کفش و کلاه و البته، انتشار تصاویر کفش و کلاه در فضای مجازی».

درست است، همه مقصریم، همه ما که از کنار اخبار مرگ این آدم‌های زحمتکش خیلی ساده عبور می‌کنیم، همه آنها که فقط به سود و سود بیشتر می‌اندیشند و دیگر هیچ، همه آنها که بعد حادثه اعلام می‌کنند «علت حادثه در دست بررسی است» اما زمان که می‌گذرد معمولاً همه چیز فراموش می‌شود و عوامل اصلی با پرداخت جریمه‌های ناچیز از چنگال قانون فرار می‌کنند. دیگران نیز تقصیر دارند، آن بازارسانی که باید در یک محدوده و همه کارگاه‌های کوچک را از سقف تا کف، شخم بزنند، همه آنها بی‌کی‌باید تذکر بدهند، جریمه کنند یا حتی درها را قفل سنگین بزنند و پلمب کنند، همه آنها و همه ما مقصریم چون هیچ چیز بارز تر از جان آدمی نیست؛ آدمی‌ای که هر روز با کفش آهنین به پا، به دنبال نان می‌دود اما از بخت سیاه، درازی «نان»، «جان» را به گرو برمی‌دارند و او گریزی از این قمار مرگبار ندارد.

اخبار کارگری

مزد و عیدی کارگران شهرداری سده پرداخت نشده است



شماری از کارگران شهرداری سده در استان فارس از عدم پرداخت حدود سه ماه از عموقات مزدی خود

به همراه عیدی و پاداش سال گذشته خبر دادند. به گزارش ایلنا، این کارگران می‌گویند مهم‌ترین عامل پرداخت نشدن مزد آنها کمبود نقدینگی و نبود منابع مالی در شهرداری است. همچنین به رغم پرداخت حق بیمه کارگران به تامین اجتماعی، بخشی از سوابق بیمه کارگران از گذشته دچار مشکل است. به گفته یکی از کارگران شهرداری سده، مطالبات معوقه کارگران مربوط به دو ماه حقوق به همراه عیدی و پاداش پایان سال ۹۹ به همراه یک ماه حقوق عقب‌افتاده سال جاری (۱۴۰۰) است. این کارگر گفت: شهردار شهر سده تمام تلاش خود را برای پرداخت مطالبات کارگران انجام می‌دهد اما منابع مالی کافی برای پرداخت حقوق وجود ندارد. طبق اظهارات یکی دیگر از کارگران، مطالبات معوق مزدی کارگران شهرداری سده به حدود ۵ ماه می‌رسد که طی روزهای گذشته دو ماه از آن یک‌جا به حساب کارگران واریز شد. وی افزود: در منطقه محروم اقلید در استان فارس و با شرایط سخت، مشغول خدمت‌رسانی به شهروندان شهر سده هستیم اما مسئولان هیچ فکری به حال ما نمی‌کنند و سال‌هاست می‌گویند برای پرداخت دستمزد کارگران بودجه نداریم.

یک فعال کارگری:

مطالبات شش‌گانه کارگران را

به گوش مسئولان می‌رسانیم

عضو هیات مدیره کانن عالی شوراهای اسلامی کار کشور گفت: باید تا روز ۱۱ اردیبهشت، صدای مطالبه‌گری خود را به گوش مسئولان برسانیم. به گزارش خبرگزاری تسنیم، حسین حبیبی مطالبات کارگران را در شش محور اصلی دسته‌بندی کرد و گفت: اولین و مهم‌ترین مطالبه، امنیت شغلی است. باید مهم‌ترین خواسته ما احیای قرار دادهای کار دائم باشد. فقدان امنیت شغلی، همه وجوه اشتغال ما کارگران از حق تشکیل یابی گرفته تا چانه‌زنی برای دستمزد را تحت الشعاع قرار داده و به همین دلیل است که معتمد امنیت شغلی مهم‌ترین مطالبه کارگران ایران است. وی دومین مطالبه مهم کارگران را محور شرکت‌های پیمانکاری و تامین نیرو خواند و گفت: دلالت نیروی انسانی و شرکت‌هایی که کارشان خرید و فروش کارگر است باید از عرصه روابط کار محو شوند. حبیبی ادامه داد: دستمزد شایسته که تأمین‌کننده نیازهای یک خانوار متوسط باشد، تشکل مستقل کارگری بدون دخالت دولت و کارفرما، بازگرداندن استقلال سازمان تامین اجتماعی و اداره آن به دست کارگران و کارفرمایان و حق اعتراض و تجمع براساس اصل ۲۷ قانون اساسی، دیگر مطالباتی‌ست که تا روز کارگر باید پیگیری کنیم.

کارگران بازنشسته مخابرات راه‌دور شیراز تجمع کردند



کارگران بازنشسته شرکت مخابرات راه دور شیراز برای دریافت مطالبات خود روز چهارشنبه (۸ اردیبهشت) در محل کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، «هاشمی شمشیری» رئیس کانن بازنشستگان شرکت مخابرات راه دور شیراز در جمع تجمع‌کنندگان گفت: تنها خواسته به حق ما بازنشستگان، پرداخت مطالبات ۱۵ ساله قبل، پیش از هر اقدامی برای احیای شرکت است. امیدواریم نماینده هیأت حمایت از صنایع و مالک شرکت، متوجه شده باشند که باید مطالبات کارگران بازنشسته را پرداخت کنند. وی افزود: بسا همراهی معاون اداره کار نزد دادستان فارس رفیقیم و در حضور دوربین روابط عمومی دستگاه قضا، خواسته‌های بازنشستگان را عنوان کردیم. باید دانست ما بازنشستگان نه مانع بازگشایی هستیم نه مخالف آن. شمشیری افزود: دادستان فارس عنوان کرد که همه دغدغه مسئولان در مرحله اول پرداخت مطالبات شما بازنشستگان است. وی تأکید کرد که کارگران بازنشسته مخابرات راه دور شیراز اطمینان داشته باشند، قبل از بازگشایی حتماً باید مطالبات آنها تعیین تکلیف شود.



۶۵ سال و بین ۱۹ تا ۲۶ درصد زنان شاغل بالای ۶۵ سال سن دارند.

سال بیش از زنان است. به طور میانگین بین ۲۰ تا ۲۵ درصد اشتغال کشور مربوط به مردان بالای

۱۱.۵ درصد از افراد بالای ۶۵ سال هنوز کار می‌کنند

۹۲ به ترتیب برابر ۱۳.۵ و ۱۲.۹ درصد بود. از سال ۹۳ تا ۹۵ نسبت اشتغال گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر بین ۱۱.۵ تا ۱۸.۱ درصد متغیر بود و از سال ۹۶ وارد محدوده ۱۲.۱ درصد شد. در سال ۹۸ این رقم برابر ۱۱.۵ درصد اعلام شده است که در مقایسه با سال ۹۰ کاهش ۲.۲ درصدی را نشان می‌دهد.

براساس این گزارش نسبت اشتغال افراد ۶۵ ساله و بیشتر در مناطق شهری کمتر از روستاهاست. در روستا بیش از ۲۰ درصد اشتغال و در شهرها بیش از ۸ درصد مربوط به این گروه سنی است. همچنین برابر آمار، اشتغال مردان ۶۵

تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴، حداقل سن لازم بازنشستگی ۵۵ سال با ۳۰ سابقه یا ۶۰ سال با کمتر از ۳۰ سال سابقه است اما بسیاری افراد پس از سن بازنشستگی برای تأمین مخارج زندگی، گذران اوقات یا به هر دلیل دیگری دست از فعالیت بر نمی‌دارند و دوباره وارد بازار کار می‌شوند.

طبق آخرین آمار اعلامی مرکز آمار کشور ۱۳.۷ درصد اشتغال کشور در سال ۹۰ در اختیار افراد ۶۵ ساله و بیشتر بوده است. این رقم در سال‌های بعد همچنان روند نزولی داشته به این صورت که سال‌های ۹۱ و

براساس آمار نسبت اشتغال افراد ۶۵ ساله کشور در ۹ سال گذشته به طور میانگین ۱۲.۳ درصد بود و این شاخص روند نزولی داشته و از عدد ۱۳.۷ درصد سال ۹۰ به ۱۱.۵ درصد در سال ۹۸ رسیده است. به گزارش خبرگزاری ایرنا، بازنشستگی رسیدن به شرایطی است که براساس آن توان کاری فرد کاهش یافته و دیگر قدرت و توانایی سابق را برای ادامه فعالیت و کار ندارد. در جوامع گوناگون با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی سن بازنشستگی می‌تواند متفاوت از ۵۵ سال گرفته تا ۷۰ سال باشد. طبق قانون

خبر